



تسهیل‌گری و توان‌افزایی "زنانِ فرودست" در پروژه‌های محیط زیستی

کامیار فکور

تسهیلگری و توان‌افزایی "زنان فرودست" از طریق

پروژه‌های محیط زیستی

کامیار فکور^۱

مقدمه

پروژه‌های محیط زیستی، از ابتکارات احیا و بازیابی اکوسیستم‌ها گرفته تا برنامه‌های کشاورزی پایدار، اغلب با هدف مقابله با چالش‌های محیط زیستی اجرا می‌شود. با این حال، تأثیر آن‌ها می‌تواند فراتر از مزایای صرفاً محیط‌زیستی باشد. هنگامی که این پروژه‌ها به طور مؤثر طراحی و اجرا می‌شود، امکان این را دارد که به عنوان کاتالیزور قدرتمندی برای تحولات اجتماعی، به ویژه برای توان‌افزایی زنان در جوامع محلی تبدیل شود.

یک عنصر مهم در به حداکثر رساندن این ظرفیت، تسهیلگری فرایندهای گروهی است. با این حال پرسش اساسی این است که آیا تسهیلگر با توجه به نظام سلطه و نابرابری‌های وضع موجود، می‌تواند امیدوار به توان‌افزایی جامعه محلی باشد؟ همچنین باید پرسید رویکرد حل تعارض در بستر سرمایه‌داری تا کجا به نفع کارگران و فرودستان خواهد بود و تا کجا منجر به توهّم آشتی طبقاتی خواهد شد؟ تسهیلگری که با رویکرد اکوسوسیالیستی به وضع موجود می‌نگرد، ضمن پرهیز از توهّم حل تضادهای آشتی‌ناپذیر در جامعه، زمینه‌ای را فراهم می‌کند تا نطفه برنامه‌ریزی مشارکتی و دستیابی بی‌قدرت‌ان به قدرت توسط خود جامعه محلی ایجاد شود. تجربه نشان داده، بسیاری از زنانی که خواهان مقاومت در برابر ستم و سلطه پدرسالارانه هستند، پروژه‌های تسهیلگری را راهی برای تقویت جایگاه اجتماعی خود می‌بینند. این زنان تمایل بسیاری برای ورود به فرآیند تسهیلگری دارند تا به این واسطه نقش و سهم خود را در تغییر وضعیت افزایش دهند.

اکوسوسیالیسم و توان‌افزایی زنان

اکوسوسیالیسم گرایشی سیاسی در جنبش سوسیالیستی است. این گرایش تأکید دارد که «حفظ تعادل بوم‌شناختی کره‌ی زمین و بنابراین حفظ محیط زیست مناسب و مطلوب برای گونه‌های زنده،

از جمله خود ما، با منطق توسعه‌طلب و مخرب نظام سرمایه‌داری سازگاری ندارد [۱].»

اکوسوسیالیست‌ها ریشه تصاعدی ویرانی طبیعت و محیط‌زیست را در مناسبات اقتصادی و اجتماعی موجود، یا به عبارتی ساختار سرمایه‌داری می‌بینند. نظام سرمایه‌داری، انباشت سود را بر رفاه انسان و پایداری محیط‌زیستی اولویت می‌دهد. اکوسوسیالیسم تأثیر نامتناسب تخریب محیط‌زیست بر زنان و جوامع حاشیه‌نشین را با تبیین کارکردهای سرمایه‌دارانه آن، برجسته می‌کند. زنان جوامع پیرامونی و روستایی اغلب به دلیل نقش‌های سنتی تحمیل شده به عنوان مراقب و مدیر منابع، با کیفیت و کمیت به خصوصی، بار مشکلات محیط زیستی را به دوش می‌کشند؛ درواقع تقسیم کار جنسیتی، پیامدهای ویرانی محیط زیست را به شکل متفاوتی به زنان تحمیل می‌کند.

توان‌افزایی زنان از طریق تسهیلگری، برای اکوسوسیالیست‌ها که به دنبال برنامه‌ریزی مشارکتی، اجتماعی‌سازی وسایل تولید، عدالت اقلیمی، کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی و مقابله با سرمایه‌داری هستند، به دلایل متعددی مهم است. نخست، زنان به دلیل نقش‌های سنتی خود در مدیریت منابع طبیعی و کشاورزی، ممکن است دانش و تجربه فراوانی در زمینه محیط زیست داشته باشند. اگر مشارکت آنها در تصمیم‌گیری‌های مربوط به محیط‌زیست در مسیر رویکردهای پایدار قرار بگیرد، می‌تواند تأثیر بسیار مثبتی بر محیط زیست بگذارد. علاوه بر این، نابرابری‌های جنسیتی و نابرابری‌های اقلیمی با یکدیگر مرتبط است و زنانی که در حاشیه جامعه به عنوان فرودست قرار دارند، با کمیت و کیفیت متفاوتی از سایرین از اثرات منفی تغییرات اقلیمی آسیب می‌بینند. توان‌افزایی زنان و مشارکت آنها در تصمیم‌گیری‌ها می‌تواند به تغییر ساختارهای قدرت و کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی کمک کند. فراتر از آن، اگر این امر همسو با مبارزه علیه سرمایه‌داری و انواع ستم‌ها و نابرابری‌های آن باشد، منجر به ایجاد جوامع عادلانه‌تر و پایدارتر خواهد شد و مبارزه برای رهایی زن از قیود اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را پیش خواهد برد.

تسهیلگری به معنی آسان‌سازی و ساده کردن یک فرایند است. تسهیلگر یک فعالیت گروهی را برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت

^۱ دانش‌آموخته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری

از نظر اقتصادی، زنان ممکن است از طریق مشارکت در فعالیت‌های پروژه به فرصت‌های جدید معیشتی دسترسی پیدا کنند. از نظر اجتماعی، مشارکت آن‌ها می‌تواند تأثیرشان در جامعه را افزایش دهد و نقش‌های جنسیتی سنتی و پویایی قدرت را به چالش بکشد. از نظر روانشناختی، درگیری زنان می‌تواند اعتماد به نفس و حس عاملیت آن‌ها را تقویت کند و به آن‌ها این امکان را بدهد تا بهتر و بیشتر از حقوق خود دفاع کنند.

مشارکت زنان در پروژه‌های مرتبط با حفاظت از محیط‌زیست نه تنها به دلیل نقش کلیدی زنان در مدیریت منابع طبیعی و خانواده، بلکه به دلیل ارتباط عمیق آن‌ها با محیط‌زیست و تأثیرات تغییرات اقلیمی بر زندگی روزمره‌شان است. زنان در بسیاری از جوامع پیرامونی و روستایی، نقش مهمی در مدیریت منابع طبیعی مانند آب، خاک، جنگل‌ها و... دارند. آن‌ها اغلب مسئول جمع‌آوری آب، تهیه سوخت و تولید مواد غذایی هستند. این فعالیت‌ها باعث می‌شود که زنان به طور مستقیم با محیط‌زیست در تعامل باشند و از تأثیرات تخریب محیط‌زیست بر زندگی خود آگاه شوند. بنابراین، شرکت در پروژه‌های حفاظت از محیط‌زیست به آن‌ها این فرصت را می‌دهد تا در مدیریت پایدار منابع طبیعی نقش فعال‌تری داشته باشند و از این طریق، کیفیت زندگی خود و خانواده‌شان را بهبود بخشند. افزایش آگاهی درباره تأثیرات تخریب محیط‌زیست و تغییرات اقلیمی نیز باعث شده است که زنان به دنبال راه‌حل‌هایی برای مقابله با این چالش‌ها باشند. پروژه‌های تسهیلگری محیط‌زیست محور اغلب شامل آموزش و آگاهی‌بخشی به جامعه نیز هست و این امر به زنان کمک می‌کند تا دانش و مهارت‌های لازم برای مدیریت پایدار منابع طبیعی را کسب کنند. این افزایش آگاهی نه تنها به بهبود شرایط محیطی کمک می‌کند، بلکه به زنان احساس قدرت و توانایی بیشتری برای ایجاد تغییرات مثبت در جامعه می‌دهد.

نمونه موردی گروه گوجینو

یکی از نمونه‌هایی که می‌توان در مورد نقش تسهیلگری در پروژه‌های مرتبط با زنان و محیط زیست مثال زد، گروه گوجینو است.

می‌کند تا ضمن حفاظت از پویایی گروه، دستیابی اثر بخش به اهداف گروهی را تضمین کند. تسهیلگر به عنوان راهبر، به گروه کمک می‌کند تا فرایند، بحث، اکتشاف و یادگیری در گروه نهادینه شود [۲].

یکی از اثرات مهم تسهیلگران فرایندهای گروهی، توان افزایش اجتماعی یعنی تسهیل شکل‌گیری گروه‌های اجتماعی و پایداری آنان در جوامع محلی پیرامونی و افزایش توان آنان برای مشارکت در فکر کردن، گفت‌وگو، مسئله‌یابی، اولویت‌بندی، تصمیم‌گیری، راهکاریابی، حل تعارض، مستندسازی، پایش و ارزشیابی است. توان‌افزایی زنان در برنامه‌ریزی مشارکتی از طریق تمرکز بر نیازها و مسائل خاص آن‌ها امکان‌پذیر است. تسهیلگران با ایجاد فضاهای امن و برگزاری کارگاه‌های آموزشی مهارت‌های رهبری، راهبری و مدیریت منابع، زنان را ترغیب به بیان تجربیات و چالش‌های خود، تعیین هدف و حرکت به سوی آن می‌کنند.

نقش پروژه‌های محیط‌زیستی تسهیل‌شده در توان‌افزایی زنان

از مزایای اصلی پروژه‌های محیط‌زیستی تسهیل‌شده، ایجاد بسترهایی برای به اشتراک گذاری دانش است. جوامع محلی، به ویژه زنان، اغلب دارای دانش محیط‌زیستی بومی ارزشمند هستند که برای درک و مدیریت اکوسیستم‌های محلی بسیار مهم است. تسهیلگران می‌توانند شکاف بین دانش علمی و بومی را پر کنند و فضایی را ایجاد کنند که هر دو شکل دانش در طراحی پروژه ارزش داشته باشد. این امر نه تنها اثربخشی پروژه را تقویت می‌کند، بلکه سهم جوامع محلی را نیز به رسمیت می‌شناسد، تأیید می‌کند و باعث ایجاد حس احترام و برابری می‌شود. به عنوان مثال، در یک پروژه با محوریت مدیریت پایدار آب، دانش بومی زنان در مورد منابع آب، تکنیک‌های حفاظت و الگوهای مصرف آب می‌تواند در تهیه راه‌حل‌های مؤثر و فرهنگی مناسب، ارزشمند باشد. علاوه بر این، پروژه‌های محیط‌زیستی تسهیل‌شده، می‌تواند فرصت‌هایی را برای زنان فراهم کند تا مهارت‌های جدیدی را با هدایت تسهیلگر در گروه یاد بگیرند و آن‌ها را در خود توسعه دهند؛ مهارت‌هایی همچون راهبری، ارتباط مؤثر، حل مسئله، تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی مشارکتی و مهارت‌های متعدد و توان‌افزای دیگر.

حل تعارض و رفع تضاد

حال پس از تبیین رابطه تسهیلگری اکوسوسیالیستی در توانافزایی زنان فرودست، باید «حل تعارض» را که یکی از امکان‌هایی است که تسهیلگری پیش روی ما می‌گذارد، مورد بحث قرار دهیم. یکی از روش‌های تسهیلگری، تسهیلگری سازمانی است. به طور مثال تسهیلگران سازمانی با ورود به شرکت‌های سرمایه‌دارانه تلاش می‌کنند چالش‌های میان کارگران و سرمایه‌دار را حل کنند. کیمبرلی بین در مورد تضادهای محیط کاری می‌گوید: «به محض اینکه طرفین وارد گفت‌وگو شوند و یکدیگر را بهتر درک کنند، دیگر شرایط را به صورت «ما در مقابل آنها» نمی‌بینند. در این حالت، آنها می‌توانند با یکدیگر همکاری کنند تا مسائلی که آنها را آزار می‌دهد، حل و فصل کنند. این کار شرایط را از حالت «ما در مقابل آنها» به «ما در مقابل مشکل» تغییر می‌دهد» [۵].

در نظام سرمایه‌داری، ابزار تولید (کارخانه‌ها، زمین‌ها، ماشین‌آلات و غیره) در دست گروهی کوچک به نام سرمایه‌داران است. کارگران برای تأمین معاش خود مجبور به فروش نیروی کار خود به سرمایه‌داران هستند. این امر باعث ایجاد یک رابطه استثمار می‌شود، زیرا سرمایه‌داران از کارگران سود می‌برند، در حالی که کارگران تنها مزد ناچیزی از کار خود را دریافت می‌کنند. این مسئله مبارزه‌ای روزمره در میان این دو طبقه ایجاد می‌کند و مدام مسئله «ما در مقابل آنها» را پیش رو می‌گذارد.

نیل به سوسیالیسم در نظریه مارکسیستی نیز، تکیه بر رفع این تضاد به وسیله تصاحب قدرت توسط طبقه کارگر و از بین رفتن کلیه طبقات است. از این رو تسهیلگری سازمان‌های بورژوازی و نگاه تسهیلگرانی مثل کیمبرلی بین که تلاش دارند بازی برد-برد رقم بزنند، تنها برای مهار کردن قدرت کارگران در چانه‌زنی و مبارزه طبقاتی به کار بورژوازی می‌آید. «ما در مقابل مشکل» امکان‌پذیر است، اما جایگیری در این «ما» برای همه طبقات ناممکن است. در پروژه‌های محیط‌زیستی در ارتباط با زنان فرودست، نیازمند تغییرات و تحولات اصلاح‌گرایانه تا انقلابی، در نظام مالکیت، شیوه تولید، توزیع منابع و همچنین ساختار سنتی و پدرسالار هستیم. اما این تغییرات با مقاومت شدید سرمایه‌داران، دولت‌ها و نهادهای تثبیت‌کننده وضع موجود مواجه می‌شود.

بنابراین می‌توان گفت تعارضی که در جامعه وجود دارد، ناشی از تضادهای عمیق طبقاتی است که امکان حل آن در بستر کنونی

گروه گوجینو، متشکل از زنان روستایی در منطقه کرمان، با هدف بهبود وضعیت معیشتی و احیای قنات‌ها، فعالیت خود را از سال ۱۳۹۳ آغاز کرده است. این گروه با ترکیب صنایع دستی، مشارکت اجتماعی و تلاش‌های محیط زیستی، نه تنها به توانافزایی زنان پرداخته، بلکه نقش مهمی در احیای قنات‌ها و حفظ منابع آب ایفا کرده است.

هدف اصلی این گروه، احیای قنات‌ها، حذف واسطه‌ها در فروش محصولات صنایع دستی و توانافزایی زنان در جامعه بود. اعضای گروه با استفاده از صنایع دستی محلی مانند پته‌دوزی و حصیربافی، در کنار تولید محتواهای رسانه‌ای، به ترویج اهداف خود پرداختند. آن‌ها با تشکیل صندوقی کوچک و جمع‌آوری حق عضویت، سرمایه اولیه را برای خرید مواد اولیه و تجهیزات فراهم کردند.

گفته می‌شود اعضای گروه ۱۵ درصد از درآمد حاصل از فروش محصولات خود را به احیای قنات‌ها اختصاص داده‌اند. این اقدامات منجر به خرید بالابر برقی برای تسهیل لایه‌روبی قنات‌ها شده است. علاوه بر این، فعالیت‌های گروه باعث افزایش آگاهی جامعه محلی درباره اهمیت حفظ قنات‌ها و کاهش هدررفت آب شده است. اعضای گروه به‌عنوان تسهیل‌گران روستا از قنات‌ها دیدن می‌کنند و بنا بر اولویت، هزینه لازم را برای احیای آن‌ها می‌پردازند [۴].

گروه گوجینو در مسیر فعالیت‌های خود، با چالش‌های متعددی روبرو شده است. از جمله این چالش‌ها می‌توان به مقاومت اولیه برخی مردان در برابر فعالیت‌های زنان، کمبود منابع مالی و مشکلات فنی در احیای قنات‌ها اشاره کرد. با این حال، گروه معتقد است با استفاده از روش‌های مشارکتی، تولید محتوای رسانه‌ای و جلب حمایت نهادهای محلی، توانسته بر بسیاری از این چالش‌ها غلبه کند. از جمله تأثیرات مثبت گوجینو احیای چندین قنات، بهبود نسبی معیشت زنان، بهبود جایگاه اجتماعی ایشان و افزایش آگاهی محیط زیستی است. علاوه بر این، گروه توانسته است با ایجاد شبکه‌ای از تشکلهای محلی، فعالیت‌های خود را به دیگر روستاها و مناطق حاشیه‌نشین گسترش دهد.

هدف، دخالت دادن خانواده و وابستگان زنان را در این فرایند ضرورت می‌دهد.

تسهیلگران باید نسبت به این مسائل حساس باشند و اطمینان حاصل کنند که پروژه‌های محیط‌زیستی به گونه‌ای طراحی شده است که به جای افزایش، بار کار بازتولیدی بر زنان کاهش یابد و حتی مسیری برای مبارزه با این تقسیم کار جنسیتی و ساختار استثمارگر شیوه تولید کنونی، ترسیم و تسهیل کند. تسهیلگری در رابطه با توان‌افزایی زنان کارگر و فرودست، مسیری است برای یافتن روش‌های رویارویی با ستم، سلطه و استثمار ویژه‌ای که این بخش از جامعه تجربه می‌کند، نه روشی برای جداسازی‌های کاذب و برساخت هویتی. از طرف دیگر بخشی از فرآیند تغییر توازن قوا از طریق توان‌افزایی زنان، منوط به تغییر ساختار سنتی و پدرسالارانه است، به همین جهت نمی‌توان فرآیند تسهیلگری را تنها با زنان مورد هدف پیش برد و باید نقش مردان خانواده و وابستگان را لحاظ کرد.

جمع‌بندی

پروژه‌های محیط زیستی، به ویژه زمانی که با رویکرد تسهیلگری مشارکتی و اکوسوسیالیستی اجرا می‌شود، پتانسیل بالایی برای توان‌افزایی زنان و ایجاد تحولات اجتماعی در جوامع محلی دارد. این پروژه‌ها نه تنها به بهبود شرایط محیطی کمک می‌کنند، بلکه می‌تواند به کاهش نابرابری‌های جنسیتی و اقتصادی منجر شود.

زنان جوامع حاشیه‌نشین و روستایی، معمولاً به عنوان مدیران سنتی منابع طبیعی، دانش و تجربه ارزشمندی دارند که می‌تواند در طراحی و اجرای پروژه‌های پایدار مؤثر باشد. با این حال، چالش‌های ساختاری مانند مالکیت منابع، استثمار نیروی کار زنان، ساختارهای سنتی و پدرسالارانه و رویکردهای دولت‌ها و نهادهای سرمایه‌دارانه، می‌تواند مانع از تحقق کامل این اهداف شوند.

تسهیلگری مؤثر نیازمند توجه به اصول مشارکتی، عدالت جنسیتی و نقد ساختارهای قدرت موجود است. برای دستیابی به نتایج پایدار، زنان باید در تمام مراحل پروژه، از برنامه‌ریزی تا اجرا و ارزشیابی، مشارکت فعال داشته باشند و صدای آن‌ها به طور واقعی شنیده شود. همچنین ضروری است که تسهیلگری علاوه بر جامعه

ناممکن است، اما مبارزه و چانه‌زنی، می‌تواند تا حدودی منافع طرف فرودست را تقویت کند.

از طرفی زنان روستایی بسیاری هستند که با داشتن مالکیت، نیروی کار کارگران زن در مزارع کشاورزی را خریداری کرده و ارزش اضافی کار آن‌ها را تصاحب می‌کنند. در چنین موقعیت‌هایی، ظرافت و هوشیاری فعالین اجتماعی و جامعه هدف است که بررسی می‌کند منافع چه گروه‌هایی به یکدیگر گره می‌خورد، چه گروه‌هایی می‌توانند بر سر یک سری از خواسته‌ها کنار یکدیگر قرار بگیرند، تعارضات و چالش‌ها میان گروه‌های اجتماعی تا کجا قابل حل است و آنجایی که تضاد قابل حل نیست، مبارزه، مطالبه‌گری و چانه‌زنی به چه صورت ممکن است.

باید در نظر داشت که در هر پروژه حفاظت از محیط‌زیست در جامعه محلی، چه کسی سود می‌برد و چه کسی هزینه‌ها را تحمل می‌کند؟ آیا جوامع محلی، به ویژه زنان، واقعاً در فرآیندهای تصمیم‌گیری شرکت می‌کنند یا صرفاً با آنها مشورت می‌کنند؟ آیا اهداف این پروژه با نیازهای جامعه مطابقت دارد یا آنها توسط برنامه‌های خارجی هدایت می‌شوند؟

در ادامه و در ارتباط با مسئله حل تعارض، ضرورت دارد تأکیدی نیز بر کار بازتولیدی داشت. مفهوم «کار بازتولیدی»، که در نظریه فمینیستی مارکسیستی اساسی قلمداد می‌شود، برای درک چالش‌های پیش روی زنان در پروژه‌های محیط‌زیستی اهمیت بالایی دارد. کار بازتولید، کاری است که برای بازتولید گونه (انسان) انجام می‌شود و فقط شامل بچه‌دار شدن نیست، بلکه بزرگ کردن آن‌ها و ایجاد شرایط ضروری برای تداوم زندگی است. این کار (کار بازتولید) با افراد وابسته سروکار دارد [۶]. به طور کل این کار شامل کارهایی مانند مراقبت از کودک، کار خانگی، کار عاطفی و مراقبت از سالمندان می‌شود. پروژه‌های محیط‌زیستی که کار بازتولیدی را که زنان با آن روبرو هستند در نظر نمی‌گیرد، می‌تواند نابرابری‌های موجود را تشدید کند. به عنوان مثال، پروژه‌ای که زنان را ملزم به گذراندن زمان بیشتری برای کار بدون حقوق، مانند جمع‌آوری آب یا هیزم می‌کند، ممکن است توانایی آنها برای شرکت در فعالیت‌های معیشتی یا سایر اشکال تعامل اجتماعی را تضعیف کند. از طرفی کار بازتولیدی علاوه بر جامعه

منابع

هدف که زنان فرو دست است، از نقش و دخالت مردان برای توانافزایی زنان و تصمیم‌گیری مشارکتی در این فرآیند بهره بگیرد.

۱. میشل لووی. ۱۳۹۹، اکوسوسیالیسم از والتر بنیامین تا هوگو بلانکو. ترجمه محمدرضا جعفری. وبگاه نقد اقتصاد سیاسی.
۲. هادی ویسی. ۱۳۹۷. تسهیلگری توسعه روستایی (راهنمای تسهیلگری). تهران: موسسه آموزش عالی علمی- کاربردی و مهارتی جهاد کشاورزی ص ۱۰۳.
۳. محسن ماموریان، علی خسروی. ۱۳۹۰، مهارت‌های تسهیلگری در تعاونی‌های روستایی. تهران: موسسه توسعه روستایی ایران ص ۱۹.
۴. «گوجینو» احیاکننده قنات‌های شهداد. ۱۷ شهریور ۱۳۹۵. روزنامه پیام ما.
۵. کیمبرلی بین. ۲۰۱۴، قدرت تسهیلگری در حل تعارض. گروه مترجمین، انتشارات سنجاق، ص ۶۴.
۶. آلیزا دل‌ره. ۱۴۰، از پژوهش کارگری تا پژوهش فمینیستی: پیدایش کار بازتولید، ترجمه ساسان صدقی‌نیا. وبگاه نقد اقتصاد سیاسی.

برای مطالعه بیشتر:

۱. کارل مارکس، فردریش انگلس. ۱۳۵۹، مانیفست کمونیست. ترجمه محمد پورهرمزان. تهران: حزب توده ایران.
۲. آگوستو بوآل. ۱۳۹۶، تئاتر قانونگذار؛ استفاده از هنر اجرا برای سیاست‌ورزی. ترجمه علی ظفر قندی نژاد. تهران: نشر بیدگل.
۳. پائولو فریره. ۱۳۵۸، آموزش ستمدیدگان، ترجمه احمد بیرشک. انتشارات خوارزمی.
۴. مصاحبه با گروه گوجینو از کرمان؛ زنانی که می‌دوزند تا قنات‌ها بمانند. ۲۵ شهریور ۱۳۹۷. رسانه دست‌دست.

خواننده گرامی

این مقالات به صورت رایگان در اختیار شما قرار می‌گیرد، اما می‌توانید از طریق لینک زیر از فرایند نگارش و انتشار مقالات حمایت مالی کنید:

<https://hamibash.com/anthropologyofgender>